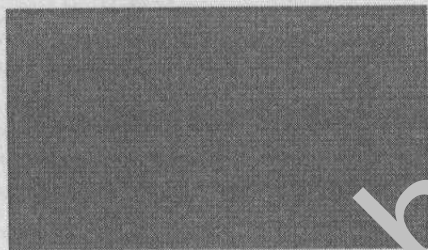


۱۵۲۹۴۴.

پنجره داستان امروز



قلب تو بی شعور است

دنیا خمایی

پنجره داستان امروز

سرشناسه: خمایی، دنیا
عنوان و نام پدیدآور: قلب تو بی شعور است / دنیا خمایی
مشخصات نشر: تهران: انتشارات مایا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۶-۲۱۵-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
نوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده: ی کنگره: ۱۳۹۶ ق ۸۲۴ / PIR۸۳۴۲
بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناختی: ملی، ۴۸۵۵۴۶۱

مایا

انتشارات مایا

قلب تو بی شعور است

دنیا خمایی

نشر: مایا

چاپ اول ۱۳۹۷

مبارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۶-۲۱۵-۰

لیتو: سی، چاپ، صحافی: ترنج

مدیر: سعید معماریان

صفحه‌آرایی: گروه گری مایا

طرح جلد: مهرداد رحیمی‌دانش

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

E: nashrmaya@gmail.com

خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری غربی، پلاک ۸۸

تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

تلفن همراه: ۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

فهرست:

- غنچ‌های پنهانی/ ۷
دوباره قلم مانده دهنده‌های برنده برای هم می‌تپد/ ۸
من خودم به سخران: نگران انگشت حلقه‌ام هستم! / ۹
حذر شار درست بود! / ۱۱
فخوم، جلشر / ۱۲
بگو که بهت ... / ۱۳
تو به اشیا جان بخشیدی / ۱۴
من و تو فقط به هم «سگی» داریم / ۱۵
تکیه تو شاعرانه است / ۱۷
دل‌م می‌خواهد برات شال گردن ببافد / ۱۸
زلزله‌ها مرا ویران و پس لرزه‌ها می‌سازند / ۲
من فقط به "درد" می‌خورم / ۲۱
گفتم به او که تو ملک پدری من هستی / ۲۲
عشق من به تو؛ غول مرحله آخر شده / ۲۳
با خودم شرط بستم که... / ۲۴
آبان برای من، پاییز برای تو... / ۲۶
هر مردی باید یک پیراهن سفید مردانه داشته باشد / ۲۷
برای تو باب اسفنجی... / ۲۹
من دستت را گرفتم و نیفتادی / ۳۰
چراغ سبز! / ۳۱
سگرمه‌های قلدرت را یادم نیست / ۳۲
به وقت نرسیدن‌ها هم دوست دارم / ۳۴
تو مثل خاکشیر ته نشینی و یادت بلند! / ۳۶

او هست و غلط کرده کسی دوستش داشته باشد/ ۳۸
من این مرده‌های لعنتی را دوست دارم/ ۴۰
قدبلندها به جای کوتوله‌ها باید تاوان دهند/ ۴۲
من از یارکشی متنفرم/ ۴۴
بوی تو پیدایم می‌کند/ ۴۵
به اندازه درد و رنج قسم راست مولانا/ ۴۶
رنگ حیای من فقط به چشمان تو می‌آید/ ۴۸
من قلبم را با ادب بار آورده‌ام/ ۴۹
لق نشوی، نمی‌افتم/ ۵۰
این تابستان فراموش می‌کنم/ ۵۱
او شهدا را زنده می‌کرد/ ۵۲
کوه من به آدم‌ها می‌رسد/ ۵۴
حالش را گذاشته بود برای فروش/ ۵۵
اینکه سرما نخورده‌ام حتما حکمتی دارد/ ۵۶
تاب - «شام آخر» م نبود توست/ ۵۷
من خودم لیلایم را عاشقت می‌کنم/ ۵۸
روی زبانم نمی‌پر خنده سر خوشانه بگویم: "یادم تو را فراموش..."/ ۵۹
تجربه به تو می‌فهماند و اب تگی را حذف کنی سنگین‌تری/ ۶۰
کم کم یاد می‌گیرم ده همه با هم نشان حرف نمی‌زنند/ ۶۲
زنی که زناوت شد/ ۶۳
چیزهایی هست که حتماً ندانی/ ۶۵
قلب تو بیشعور است/ ۶۶
تا دلت بخواهد دوباره احب می‌شوی/ ۶۸
تو دلت برای چای نخورده با مرغی سوختی/ ۶۹
ترس‌هایم را قورت می‌دهم و امیدهایم را هوش می‌کنم/ ۷۰
من سیزده به درم را مقیم بوستان شما هستم/ ۷۱
خوشا عکسی که عکاسم تو باشی/ ۷۲